



---

سرشناسه:	هولمز، لسلی Leslie, Holmes
عنوان و نام پدیدآور:	کمونیسم: درآمدی کوتاه / نویسنده لریلی هولمز؛ ترجمه سپیده صابونچی.
مشخصات نشر:	تهران: افکار جدید،
مشخصات ظاهری:	۱۸۴ ص.
فروست:	مجموعه درآمدی کوتاه؛
شابک:	۹-۱۶-۷۷۹۷-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	عنوان اصلی: Communism : a very short introduction , c 2009 .
موضوع:	کمونیسم Communism
موضوع:	کمونیسم - تاریخ Communism -- History
شناسه افزوده:	صابونچی رضایپور، سپیده، ۱۳۶۵ -، مترجم
رده بندی کنگره:	HX۲۱
رده بندی دیویی:	۵۳۲/۳۲۰
شماره کتابشناسی ملی:	۸۴۴۲۱۱۴
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	فیبا

---

**Communism**  
**A Very Short Introduction**  
Leslie Holmes

---

**کمونیسم: درآمدی کوتاه**

---

نویسنده: لزی هولمز

مترجم: سپیده صابونچی

---



## کمونیسزم: درآمدی کوتاه

نویسنده: لزی هولمز

مترجم: سپیده صابونچی






### مجموعه درآمدی کوتاه - ۷ / مکاتب سیاسی - ۶

نمونه خوان: سروین هنرور  
نمایه ساز و ناظر فنی چاپ: مینا مغانلو  
دبیر گرافیک: سیده سمانه حسن زاده

چاپ و صحافی: نقش  
شمارگان: ۳۰۰ نسخه  
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۹۷-۱۶-۹

نشانی: تهران، خیابان نواب صفوی شمال، نبش آذربایجان، جنب ایستگاه  
متروی نواب، برج گردون، ورودی شمال، طبقه ی نهم، واحد ۹۰۳  
کد پستی: ۱۳۱۹۶۵۳۸۸۶  
تلفن دفتر و دورنگار: ۰۲۱۶۶۳۸۳۳۱۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

 nashreafkar@gmail.com  
 @nashrafkar  
 nashreafkar  
 Fidibo.com/nashreafkar  
 Taaghche.ir/nashreafkar

## فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۱
فصل اول: نظریهٔ کمونیسم.....	۵
فصل دوم: تاریخچهٔ کوتاه کمونیسم در قدرت.....	۲۱
فصل سوم: سیستم سیاسی کمونیسم.....	۵۷
فصل چهارم: سیستم اقتصادی کمونیسم.....	۷۵
فصل پنجم: سیاست‌ها و ساختارهای اجتماعی کمونیسم.....	۹۱
فصل ششم: پیوندهای بین‌المللی کمونیسم.....	۱۰۷
فصل هفتم: فروپاشی کمونیسم و آینده.....	۱۲۱
منابع تکمیلی.....	۱۴۱
وقایع‌نگاری کمونیسم.....	۱۴۷
تصاویر.....	۱۴۹
نمایه.....	۱۶۳



---

## پیش‌گفتار

---

در ژوئیه ۲۰۰۸ اتفاق عجیبی رخ داد. رئیس‌جمهور ایالات متحده، کشوری که برای دهه‌ها کمونیسم را دشمن اصلی خود می‌دید، هنگام نشستن در کنار رهبران کمونیست چین در افتتاحیه بازی‌های المپیک در پکن، خوشحال و آرام به نظر می‌رسید. از برخی جهات، این اتفاق هم نشانه تغییر نگرش غرب نسبت به کمونیسم و هم نشانه تغییر ماهیت قدرت کمونیسم بود. از این گذشته، کمونیسم چین به پدیده شگفت‌انگیز اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم - الگوی توسعه‌ای که همه در مورد آن حرف می‌زدند - تبدیل شده بود، اما به قیمت کنار گذاشتن آنچه بسیاری معتقد بودند ماهیت اصلی کمونیسم است. در حقیقت، چین کمونیست نه تنها به بقیه جهان نشان می‌داد که چگونه یک کشور می‌تواند سال‌های متوالی رشد چشمگیر اقتصادی داشته باشد، بلکه در واقع، از برخی نتایج این رشد برای سرمایه‌گذاری در کشورهای کاپیتالیستی، از جمله ایالات متحده، استفاده می‌کرد. این یکی از تناقضات بزرگ سال‌های اخیر است.

این کتاب، درباره تضادها و تناقض‌ها است، کتابی در مورد یک رویا - کمونیسم - که برای بسیاری تبدیل به کابوس شد. چه به دوران وحشت استالین<sup>۱</sup> نگاه کنیم، چه طرح «جهش بزرگ به جلو»<sup>۲</sup> و «انقلاب فرهنگی»<sup>۳</sup> مائو<sup>۴</sup> و چه نسل‌کشی رژیم پل پوت<sup>۵</sup> در کامبوج، می‌بینیم که میلیون‌ها نفر به نام آنچه قرار بود ساخت عادلانه‌ترین و مطلوب‌ترین نوع جامعه بشری باشد، دچار وحشت و رنج جسمی و روانی شدند. این کتاب درباره

---

1. Joseph Vissarionovich Stalin (1953- 1878)

2. Great Leap Forward

3. Cultural Revolution

4. Mao Zedong (1893-1976)

5. Pol Pot (1925-1998)

ایده‌ای از قرن نوزدهم است که بسیاری در قرن بیستم سعی در تحقق آن داشتند، اما در تلاش برای تبدیل آن به واقعیت، ایده اصلی چنان جدی مورد تحریف قرار گرفت که تا حد زیادی بی اعتبار شد. درباره سیستمی که در اوج قدرت خود بر بیش از یک سوم جمعیت جهان در چهار قاره حاکم بود و غرب را تهدید به نابودی غرب کرد. با این حال، سرانجام بخش اعظم این سیستم، به شکل بسیار ناگهانی و غیرمنتظره سقوط کرد. نظام سیاسی در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای که تا اواخر دهه ۱۹۸۰ کمونیست بودند، اکنون تغییر کرده است، و به طور رسمی پنج کشور کمونیست باقی مانده اند. دو کشور چین و ویتنام عمدتاً به این دلیل موفق هستند که بسیاری از اصول اصلی کمونیسم را کنار گذاشته اند و در برخی حوزه‌های مهم، به ویژه اقتصاد، پیشاپیش پسا کمونیست به حساب می آیند. این به توضیح تناقض مطرح شده در پاراگراف ابتدایی کمک می کند. دولت سوم، لائوس، هنوز هم کشوری است عمدتاً کشاورزی، و از نظر اهداف خود کمونیسم نمی تواند موفق تلقی شود. علاوه بر این، لائوس مانند همسایگان بزرگتر کمونیست آسیایی اش، اصلاحاتی اساسی انجام داده است که آن را از هرگونه تصور سنتی از یک کشور کمونیست دور می کند. دو کشور باقی مانده (کوبا و کره شمالی) با توجه به برخی معیارها بیشتر به اصول اصلی پایبند هستند. اما آن‌ها ضعیف هستند و به هر حال هر دوی آن‌ها ممکن است بیشتر از قبل در راه به کارگیری اصول سرمایه داری باشند.

با وجود این، تنها در کشورهای کمونیست سابق و فعلی نیست که می توان تناقضات و تضادهای اساسی مشاهده کرد. غرب که در آغاز دهه ۱۹۹۰ ادعای پیروزی بر کمونیسم را داشت، در کمتر از دو دهه خود وارد یک دوره بحرانی شده و همه جهان را با خود درگیر کرده بود. رادیکال ترین نسخه بازار محور سرمایه داری، نولیبرالیسم، به شکل جدی اعتبار خود را از دست داد، زیرا میلیون ها نفر در سراسر جهان به دلیل فروپاشی نزدیک به سقوط نظام مالی غرب، دچار مشکلات مالی و احساس عدم اطمینان شدند و اعتماد خود به این سیستم را از دست دادند. اگر نماد شکست کمونیسم، سقوط دیوار برلین بود، نماد شکست نولیبرالیسم، قرار گرفتن وال استریت در آستانه فروپاشی بود. تناقضات، بحران‌ها و شکست‌ها از این دیوار تا آن دیوار.



علاوه بر این، در اواخر سال ۲۰۰۸، رتبه‌بندی و بسایت آمازون در زمینه فروش کتاب نشان داد که یکی از دشوارترین کتاب‌های نظریه کمونیسم، سرمایه مارکس (خصوصاً جلد ۱) در میان پرفروش‌ترین کتاب‌ها قرار گرفته است. و مقاله‌ای در ژانویه ۲۰۰۹ در برجسته‌ترین روزنامه‌ی ملبورن، روزنامهٔ ایج<sup>۲</sup>، با جملهٔ «گرد کلاهان را بتکانید و سنجاق‌سینه‌هایتان را صیقل دهید، کمونیست‌ها رسماً بازگشته‌اند»، به ثبت مجدد کمونیست‌های استرالیا<sup>۳</sup> (که در ژوئیهٔ ۱۹۹۰ از لیست احزاب ثبت‌شده خارج شده بودند) اشاره کرد. گرچه نباید در اهمیت به اصطلاح «تولد مجدد» کمونیسم اغراق کرد، اما علاقه به وجه نظری و عملی آن دوباره افزایش یافته است. این مهم‌ترین دلیل برای وجود نسخهٔ کم‌حجم فعلی این کتاب است.

اشاره به برخی نکات برای شفاف‌سازی لازم است. اول، وضعیت برخی از کشورها به‌عنوان کمونیست مورد مناقشه است، بسیاری خصوصاً با گنجاندن کشورهای مختلف آفریقا در اینجا مخالف هستند. رویکردی که در این کتاب اتخاذ شده رویکردی گسترده است و در این زمینه من روش تحلیل‌گرانی مانند دیوید و مارینا اوتاوی<sup>۴</sup> یا بوگدان سزاکوفسکی<sup>۵</sup> را دنبال کرده‌ام. با وجود این، از آنجا که بسیاری دیگر از متخصصان، مانند آرچی براون<sup>۶</sup>، این تفسیر گسترده‌تر را رد می‌کنند، در این کتاب دربارهٔ کشورهای مورد اختلاف، مطالب بسیار کمی وجود دارد. دوم، برای تشخیص نظریهٔ کمونیسم از عملکرد دولتی‌هایی که ادعا می‌کنند کمونیسم را می‌سازند، هر زمان که از اصطلاح «کمونیست» در این کتاب استفاده شود، مورد دوم با استفاده از "C" بزرگ نوشته می‌شود.

می‌خواهم از چهار خوانندهٔ ناشناس طرح اصلی کتاب و نسخهٔ دست‌نویس به‌خاطر پیشنهادات موثکافانه و مفید (و تصحیحات!) متعددشان، و همچنین از تیم انتشارات دانشگاه آکسفورد، به‌ویژه آندره کیگان<sup>۷</sup> و اما مارچانت<sup>۸</sup>، برای پشتیبانی در طول این پروژه

1. *Capital: A Critique of Political Economy* (1867)

ترجمهٔ جدیدی از دورهٔ سه‌جلدی به قلم حسن مرتضوی منتشر شده است. (نشر لاهیتا، ۱۳۹۴) ویراستار.

2. *The Age*

3. Australian Communists

4. David Ottaway, Marina Ottaway

5. Bogdan Szajkowski

6. Archie Brown

7. Andrea Keegan

8. Emma Marchant

تشکر کنم. در پایان البته، فقط من مسئول خطاها و کاستی‌های باقی مانده و همه تفسیرها هستم. سرانجام از همسرم بکی<sup>۱</sup> برای حمایت، تشویق و مهربانی او در حین نوشتن این کتاب تشکر ویژه می‌کنم. من بیش از آنچه فکر می‌کند، مدیونش هستم.

---

1. Becky Holmes

---

## فصل اول: نظریه کمونیسم

---

یکی از تناقضاتی که اخیراً در مورد کمونیسم برجسته شده، تناقض بین نظریه و عمل است. هرچند این مسئله تا حدی توجیه پذیر است، باید در نظر داشت که مانند اکثر مفاهیم، هیچ نظریه واحدی درباره کمونیسم در کار نیست. بلکه، نظریه‌ها و نسخه‌های متعددی از آن وجود دارد و برخی از نسخه‌های نظریه با عمل سازگارتر است. این تنوع و گوناگونی نظریه‌ها نه فقط به این دلیل است که افراد زیادی ایده‌های خود را به مفهوم کمونیسم اضافه کرده‌اند، بلکه ناشی از وجود شکاف‌ها، ابهامات و حتی تضادهایی در آثار برخی از شناخته شده‌ترین نظریه پردازان کمونیسم است. با این حال، توافق کافی میان اکثر تحلیلگران نظریه کمونیسم وجود دارد، به اندازه‌ای که اجازه دهد تصویری منطقی و منسجم از این نظریه ترسیم شود. از آنجا که این کتاب در درجه اول درباره عملکرد کمونیسم است، بر جنبه‌هایی از نظریه تأکید خواهیم کرد که درک بهتری از دیدگاه کمونیست‌های صاحب قدرت نسبت به جهان برای ما فراهم می‌کند. اینکه آن‌ها چرا آن‌گونه رفتار کردند و چگونه سعی در توجیه اقدامات خود داشتند.

کسی که امروز به‌عنوان پدر کمونیسم شناخته می‌شود، کارل مارکس است؛ هرچند بسیاری از نظریه پردازان انواع مختلف کمونیسم هم پیش از او (به‌عنوان مثال، هنری دو

سن سیمون<sup>۱</sup> و شارل فوریه<sup>۲</sup> و هم معاصر او (پی-یر-ژوزف پرودون<sup>۳</sup>) وجود داشتند.<sup>۴</sup> در حقیقت کار اصلی مارکس ارائه چارچوب نظری گسترده‌ای برای تفسیر جهان - به ویژه پیشرفت تاریخ - و تحلیل عمیق ماهیت سرمایه‌داری بود. از بسیاری جهات، رهبر انقلابی روسیه، ولادیمیر لنین<sup>۵</sup>؛ جانشین او، ژوزف استالین؛ و رهبر انقلابی چین، مائو تسه‌تونگ بودند که بر کمونیسم تأثیر عملی داشتند. سهم هر یک از این سه نفر در نظریه کمونیسم باید مورد توجه قرار گیرد. در هر حال، اول از همه توجه به این نکته مهم است که حداقل در مورد مارکس، لنین و مائو علاقه به کمونیسم به شکل وسیعی نتیجه بیگانگی عمیق با سیستم موجود و میل به جهانی بهتر بود.

## مارکسیسم

بیشتر آنچه معمولاً مارکسیسم کلاسیک می‌نامند، در واقع براساس نظرات خود مارکس و همکارش فریدریش انگلس<sup>۶</sup> بنا شده است. اما مارکس شریک غالب در این رابطه فکری بود، بنابراین ما از عرف معمول پیروی می‌کنیم و حتی آثار مشترک آن‌ها را با عنوان مارکسیستی توصیف می‌کنیم. در اینجا تمرکز بر خود مارکس خواهد بود.

مانند هر اندیشمندی، مهم است که مارکس را در بستر زمان و مکان ببینیم. او در زمانی که انقلاب صنعتی و توسعه سرمایه‌داری از مدتی پیش در اروپای غربی جریان داشت، و

1. Henri de Saint-Simon (1825- 1760) 2. François Marie Charles Fourier (1737-1772)  
3. Pierre-Joseph Proudhon (1865-1809)

در باره زندگی پرودون نک پیوست دوم کتاب آثارشیمس کالین وارد با ترجمه محمودرضا عبداللهی (نشر افکار، ویرایش جدید، ۱۴۰۱). از مجموعه آثار آنارشیمیستی او، کتاب‌های فلسفه فقر: سیستم تضادهای اقتصادی (*Philosophie de la misère*) با ترجمه رضا اسکندری و مالکیت چیست: پژوهشی درباره اصل حق و حکومت (*Qu'est-ce que la propriété*) با ترجمه هومن کاسبی در نشر افکار منتشر خواهند شد. ویراستار.

۴. این کتاب صرفاً به نظریات، احزاب و دولت‌های کمونیستی حول آرای کارل مارکس پرداخته است که می‌توان آن را کمونیسم «مارکسیستی» نامید. با این حال، تاریخ تئوری‌های کمونیستی به نظریه‌ها و جنبش‌های سوسیالیستی پیش از مارکس و اندیشه‌های آنارشیمیستی بازمی‌گردد که مارکس آن‌ها را اتوبیانستی می‌دانست و «سوسیالیسم خیالی» نامید تا «سوسیالیسم علمی» خود را تفکیک کند. اما متقابلاً آثارشیمس‌هایی که خصوصاً در آرای پیتر کروپتکین «آتارکوکمونیست» نامیده می‌شوند، از آرای مارکس به‌عنوان «کمونیسم دولنگرا» انتقاد می‌کنند.

در این باره، از همین مجموعه «درآمدی کوتاه» کتاب «آنارشیمس» در نشر افکار منتشر شده است. برای آشنایی بیشتر، نک مجموعه «متون کلاسیک آنارشیمس» در افکار، شامل چهار جلد از آثار پیتر کروپتکین، دو جلد از پی-یر-ژوزف پرودون و یک جلد از رودلف زکر.

5. Vladimir Ilyich Lenin (1870-1924) 6. Friedrich Engels (1895-1820)

در جایی که اکنون کشور آلمان است، متولد شد؛ گرچه بیشتر عمر بزرگسالی خود را در انگلستان سپری کرد. در این زمان، پیامدهای انقلاب فرانسه (از ۱۷۸۹) هنوز در سراسر اروپا احساس می‌شد و چندین مرحله انقلابی دیگر نیز در طول زندگی او وجود داشت؛ به‌ویژه در ۱۸۳۰، ۱۸۴۹-۱۸۴۸ و ۱۸۷۱. مارکس مجذوب این موقعیت‌های انقلابی بود و اعتقاد داشت که می‌تواند الگوهای توسعه تاریخی را تشخیص دهد. این الگوها با واکنش به رویدادها و تحولات شکل می‌گیرند. هنگامی که واکنشی رخ می‌دهد، به سهم خود واکنش‌هایی نیز نسبت به آن به وجود می‌آیند. از این رو، رویکرد مارکس به تاریخ را رویکردی دیالکتیکی<sup>۱</sup> خوانده‌اند، به این معنی که او تاریخ را از طریق درگیری یا تعامل بین کنش‌ها و واکنش‌ها مشاهده می‌کند. در عین حال، اعتقاد او به وجود قوانینی قابل شناسایی برای پیشرفت تاریخ باعث شده است که بسیاری او را «مورخ» و رویکرد او به تاریخ را «ماتریالیسم تاریخی»<sup>۲</sup> بنامند. این اصطلاح آخر نیاز به توضیح دارد.

در تلاش برای توضیح ماهیت واقعیت، فیلسوفان اغلب به دو گروه ایده‌آلیست<sup>۳</sup> و ماتریالیست<sup>۴</sup> دسته‌بندی می‌شوند. هسته اصلی اصطلاح اول واژه «ایده»<sup>۵</sup> است. در این رویکرد، جهان اطراف ما تجلیاتی از مفاهیم یا ایده‌هاست. این ایده‌ها هستند که واقعیت را شکل می‌دهند، نه مظاهر دنیوی آن‌ها. مشهورترین ایده‌آلیست، فیلسوف آلمانی، گئورگ ویلهلم فریدریش هگل<sup>۶</sup> است. با وجود اینکه مارکس به شدت تحت تأثیر هگل قرار داشت، رویکردی کاملاً متفاوت با رویکرد هگل نسبت به واقعیت اتخاذ کرد. از نظر مارکس، واقعیت، جهان فیزیکی یا مادی (ماتریالیستی)<sup>۷</sup> پیرامون ما است و نحوه ارتباط ما با این واقعیت است که ایده‌ها و ادراک ما را تعیین می‌کند. اینکه ما چگونه این دنیا را می‌بینیم، یا به عبارتی، نحوه ادراک و تفسیر ما از واقعیت مادی، با توجه به اینکه چه کسی هستیم و کی و کجا زندگی می‌کنیم، متفاوت است. به‌عنوان مثال، ادراک یا تصور فردی ساکن نیویورک قرن بیست و یکم (با وجود آسمان‌خراش‌ها، آزادراه‌ها، مترو، ازدحام، آلودگی، کلاب‌های جاز و غیره) از مفهوم شهر، با فردی که در قرن پانزدهم در فلورانس یا آتن در یونان باستان

1. dialectical

2. historical materialism

3. idealist

4. materialist

5. idea

6. Georg Wilhelm Friedrich Hegel (1831-1770)

7. physical world, material world

زندگی کرده‌است، متفاوت خواهد بود. ماهیت مادی این سه شهر در سه دورهٔ مختلف، تفاوت‌های بسیار زیادی دارد که این به سهم خود بر نحوهٔ ادراک از مفهوم شهر مؤثر است. اما مارکس معتقد بود که چیزی بیش از ابعاد زمانی و جغرافیایی برای توضیح برداشت‌های متفاوت وجود دارد. استدلال او این بود که علاوه بر موارد گفته شده، موقعیت یک فرد در جامعه بر نحوهٔ درک او از جهان تأثیر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، صاحب یک کارخانه، آن را با نگاهی متفاوت از کارگر کارخانه می‌بیند. برای اولی، کارخانه ممکن است نشان‌دهندهٔ دستاورد شخصی، اعتبار و درآمد بالا باشد و برای دومی، نشان‌دهندهٔ بیگانگی از خود و کار سخت برای درآمد ناچیز.

نگاه ماتریالیستی مارکس به جهان با تاریخ‌گرایی او ارتباط نزدیک دارد. ترکیب این دو دیدگاه توضیح می‌دهد که چرا رویکرد او اغلب با عنوان «ماتریالیسم تاریخی» توصیف می‌شود. برای مارکس نیروی پیش‌برندهٔ تاریخ، روابط طبقاتی است. او طبقه را براساس رابطهٔ شخص با ابزار تولید<sup>۱</sup> تعریف می‌کند؛ و این به شکل بی‌رحمانه‌ای بدین معناست که موقعیت طبقاتی اکثر مردم اساساً از طریق دارایی یا عدم دارایی آن‌ها مشخص می‌شود، خصوصاً دارایی‌هایی که می‌توانند ثروت ایجاد کنند. بنابراین، در سیستم فنودالی که قبل از انقلاب صنعتی و ظهور سرمایه‌داری وجود داشت، اساسی‌ترین تقسیم طبقاتی بین کسانی بود که صاحب زمین هستند و کسانی که باید برای صاحبان زمین‌ها کار کنند. با ظهور ماشین نخ‌ریسی، موتور بخار و سایر اختراعات اوایل انقلاب صنعتی، تقسیم‌بندی بین کسانی که صاحب کارخانه بودند و کسانی که برای صاحبان کارخانه کار می‌کردند، به مهم‌ترین تقسیم طبقاتی تبدیل شد. مارکس اولی را «سرمایه‌داران»<sup>۲</sup> یا «بورژوازی»<sup>۳</sup> و دومی را «پرولتاریا»<sup>۴</sup> نامید که معنای لغوی آن «بدون دارایی» است. با وجود اینکه تحلیل طبقاتی او پیشرفته‌تر و پیچیده‌تر از طرح ساده‌ای است که اینجا ارائه شد، از نظر مارکس همین اساسی‌ترین تقسیمات طبقاتی در هر دورهٔ خاص - با محوریت دارایی شخصی - است که منجر به تغییر بنیادی یا انقلابی می‌شود. این استدلال در فصل آغازین کتاب

1. means of production  
3. bourgeoisie

2. capitalists  
4. proletariat

کوچک مانیفست کمونیست<sup>۱</sup> (که مشهورترین و پرمخاطب‌ترین کتاب در مورد کمونیسم است) خلاصه شده است: «تاریخ تمام جوامعی که تاکنون وجود داشته‌اند، تاریخ مبارزات طبقاتی است.» بر اساس این نظریه، تنش بین طبقات با گذشت زمان افزایش می‌یابد و در نهایت منجر به تغییر انقلابی می‌شود. با این حال، تا ظهور سرمایه‌داری، تنش‌های بین طبقات استثمار شده اصلی و آنچه مارکس به‌عنوان بهره‌بردار اصلی می‌دید، منجر به تحولات انقلابی نمی‌شد. بلکه اغلب، تغییرات علمی، فنی و اقتصادی منجر به ظهور طبقه نخبه جدیدی می‌شد که می‌خواست قدرت را از طبقه حاکم موجود بگیرد. از نظر مارکس، انقلاب فرانسه را می‌توان تا حد زیادی با این توضیحات درک کرد.

با این حال، مارکس معتقد بود دورانی که در آن زندگی می‌کند، از دو جهت با تمام دوره‌های قبلی متفاوت است. نخست از این جهت که ساختار طبقاتی سرمایه‌داری ساده‌تر از دوره‌های پیشین بود و جامعه حتی به شکل واضح‌تری در کنترل دو طبقه اصلی قرار داشت. دوم اینکه در این دوران، مبارزه طبقاتی اساساً بین بورژوازی و پرولتاریایی است که به شکل فزاینده‌ای «با خود بیگانه» است، نه بین طبقه حاکم موجود (بورژوازی) و طبقه جدیدی از نخبگان بالقوه. او در بیشتر زندگی خود باور داشت که تنش‌ها بین این دو طبقه اصلی سرانجام تا حدی افزایش می‌یابد که انقلابی سوسیالیستی اتفاق می‌افتد و این بار برخلاف همه انقلاب‌های طبقاتی قبلی، سیستم سیاسی تحت سلطه اکثریت مردم خواهد بود، نه یک اقلیت کوچک یا گروه کوچکی از نخبگان، مانند آنچه در گذشته اتفاق می‌افتاد. اما نظرات مارکس در مورد آنچه به‌دنبال یک انقلاب سوسیالیستی رخ می‌داد، مبهم بود. او مدعی بود که در طولانی مدت، نوع جدیدی از جامعه - کمونیسم - ظهور می‌کند، که در آن هیچ‌گونه طبقه حاکم و هیچ «ازخودبیگانگی»<sup>۲</sup> وجود ندارد. در واقع در این جامعه نهایی، هیچ سیاستی به آن معنا وجود نخواهد داشت و دولت (از آنجا که نیازی به آن نیست) منسوخ خواهد شد. «حکومت اشخاص» با «اداره امور» جایگزین خواهد شد. اما بلافاصله پس از انقلاب سوسیالیستی، و قبل از رسیدن به این مرحله نهایی، یک دولت

1. *Communist Manifesto* (1848)

ترجمه فارسی متأخری به قلم مسعود صابری (نشر طلایه پرسو، ۱۳۸۸) منتشر شده است. ویراسته.

2. alienation

موقت یا انتقالی تحت عنوان «دیکتاتوری پرولتاریا»<sup>۱</sup> وجود خواهد داشت. منظور مارکس از این عبارت کاملاً روشن نیست. او فقط دو بار در نوشته‌هایش از خود این عبارت استفاده کرده و هرگز جزئیات زیادی در مورد آن ارائه نداده است. اما او تحت تأثیر تجربه کوتاه مدت «کمون پاریس»<sup>۲</sup> (۱۸۷۱) در فرانسه قرار گرفت و بسیاری از ویژگی‌های این آزمایش را دید، از جمله نحوه اعمال قدرت توسط کارگران عادی و تبدیل شدن آن‌ها به طبقه حاکم جدید. این تجربه می‌تواند نشان دهد که دیکتاتوری پرولتاریا چگونه به نظر خواهد رسید.

نکته مهمی که باید درباره مارکس تأکید شود، این است که وی بیش از هر چیز نظریه پرداز و اهل بحث و جدل بود. و با وجود اینکه در چندین مقطع از زندگی اش فعالیت سیاسی داشت، یک رهبر ملی نبود. این توضیح می‌دهد که چرا بسیاری از نوشته‌ها و تحلیل‌های او انتزاعی و دچار کمبود جزئیات عملی است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، توصیفات مارکس از دولت پس از یک انقلاب سوسیالیستی مبهم است. با این حال، قبل از پرداختن به لنین، باید به سه نکته مهم اشاره شود. اول، مارکس به روشنی بیان کرده است که فقط جوامع پیشرفته صنعتی می‌توانند انقلاب‌های سوسیالیستی داشته باشند. جوامع کشاورزی که عمدتاً روستایی هستند، آماده چنین تغییراتی نخواهند بود و تاریخ باید منطق خاص خود را دنبال کند. دوم، مارکس همیشه یک انترناسیونالیست<sup>۳</sup> بود. او باور داشت که یک کشور به تنهایی نمی‌تواند یک انقلاب سوسیالیستی موفق داشته باشد. در آخر و مهم‌تر از همه، سوء تفاهم رایجی وجود دارد که اشاره مارکس به کمونیسیم فقط درباره هدف نهایی است. در واقع، مارکس این موضوع را در ایدئولوژی آلمانی<sup>۴</sup> (تکمیل شده در ۱۸۴۶) به روشنی بیان کرده است که برای او، کمونیسیم همان اندازه که به معنی هدف نهایی است، به معنی جنبشی سیاسی است که سیستم سیاسی موجود را تضعیف و سرنگون می‌کند: «کمونیسیم برای ما وضعیتی نیست که قرار است ایجاد شود؛ ایده‌آلی که واقعیت باید خودش را با آن منطبق سازد. ما کمونیسیم را جنبشی واقعی می‌نامیم که وضعیت کنونی را از میان برمی‌دارد.»

1. dictatorship of the proletariat

2. Paris Commune

3. internationalist

4. *The German Ideology* (1845–1846)

ترجمه تازه‌ای از تیرداد نیکی (نشر فردوس، ۱۳۹۵) به فارسی منتشر شده است. ویراستار.



## لنینیسم

لنین در اواخر قرن نوزدهم در یک خانواده روسی متولد شد که در یک شهر کوچک کنار رود ولگا زندگی می‌کردند. پدر و مادر او هر دو معلم بودند و حس مسئولیت شهروندی بسیار زیادی داشتند. هنگامی که لنین فقط یک نوجوان بود، برادر بزرگتر (اما هنوز نوجوان) او دستگیر شد و متعاقباً به اتهام طرح‌ریزی برای سوء قصد به تزار الکساندر سوم<sup>۱</sup> اعدام شد. تعدادی از مفسران معتقدند که این تجربه تکان‌دهنده، روحیه لنین جوان را سرسخت کرد، و علاوه بر این می‌تواند درک نفرت پرشور او از خودکامگی تزاری روسیه را آسان‌تر کند. این ترکیب احساس مسئولیت اجتماعی و نفرت از سیستمی که در آن زندگی می‌کرد، به تبیین رویکرد لنین به سیاست، تاریخ و امپراتوری روسیه کمک می‌کند.

لنین اندکی پس از مرگ برادرش مطالعه ایده‌های انقلابی، به‌ویژه عقاید مارکس و رادیکال‌های روسی مانند نیکولای چرنیشفسکی<sup>۲</sup> را شروع کرد. در اواخر قرن نوزدهم، او با مقامات روسی مشکل پیدا کرد و به تبعید فرستاده شد. اما تأثیر او بر رادیکال‌های روسی عمیق بود و در پایان سال ۱۹۱۷، به دنبال انقلاب اکتبر که سومین انقلاب روسیه در قرن بیستم بود (در سال ۱۹۰۵ و فوریه ۱۹۰۷ نیز انقلاب‌هایی به وقوع پیوستند)، او و حزبش - بلشویک‌ها<sup>۳</sup> - قدرت را در دست گرفتند. حالا قرار بود روسیه بیش از هفت دهه توسط کمونیست‌ها اداره شود.

برخلاف مارکس، لنین عمیقاً درگیر سیاست در عرصه ملی بود و با وجود اینکه گاهی تحلیل‌های انتزاعی تری در مورد دید طولانی مدت خود نسبت به سوسیالیسم و کمونیسم داشت - به‌ویژه در کتاب دولت و انقلاب<sup>۴</sup> (۱۹۱۷) - اما بیشتر سهم او در نظریه کمونیسم از تجربیات و واکنش‌های او نسبت به جهان و همچنین جدال با مارکسیست‌های دیگر نشأت گرفته بود. مهم‌ترین مشارکت‌های نظری لنین در سه زمینه بود: نقش حزب انقلابی؛ تحلیل او از امپریالیسم؛ و تمایزاتی که بین سوسیالیسم و کمونیسم قائل بود.

1. Volga

2. Alexander III of Russia (1845-1894)

3. Nikolay Chernyshevsky (1828-1889)

4. Bolsheviks

5. *The State and Revolution* (1917)

با ترجمه زنده‌یاد محمد پورهرمزبان در انتشارات حزب توده ایران منتشر شده است که در قالب مجموعه آثار لنین در نشر فردوس تجدید چاپ می‌شود. ویراستار.